

## عصر سامانیان، دوران پُربار گفتگوی تمدنها

پایداری و استقرار صلح در جامعه بشری به عوامل زیادی بستگی دارد. یکی از مهمترین عاملهای آن همزیستی آسایشته و حسن تفاهم متقابلۀ مردمان دارای قوم و نژاد، رسم و آیین، دین و مذہبهای گوناگون می باشد، به خصوص امروز که ارتباط و اختلاط خلق و ملت‌های گوناگون در همه کشورهای عالم روز به روز می افزاید و کشوری را یا حتی شهرکی را در دنیا پیدا کردن دشوار است که تنها از یک قوم ترکیب یافته باشد، این مسأله اهمیت بیشتر کسب می نماید.

از این جاست که سالهای آخر به مسأله رابطه خلقها و آیینها و فرهنگ و تمدنها توجه زیادی داده می شود. از جمله سال ۱۹۹۳ دانشمند امریکایی، مدیر مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه هاروارد، ساموئل هانتینگتون در این زمینه نظریه برخورد تمدنها را پیشنهاد نمود. طبق این نظریه جنگهای آینده میان هشت تمدن اساسی دنیا امثال تمدنهای اسلامی، کنفوسیوسی، غربی، ژاپنی، هندو، اسلاوینی، ارتودوکسی، امریکای لاتینی و آفریقایی به عمل خواهد آمد. نظریه مذکور مورد بحث و نقد دانشمندان و سیاستمداران قرار گرفت و در مقابل آن نظریه های دیگر پیشنهاد گردیدند که «نظریه آمیختگی تمدنها»، «نظریه «پایان تاریخ» فکویاما، نظریه «واقعگرایی چند قطبی بودن جهان» کیسینجر، «نظریه نوین جهان»، نظریه «جهان گرایی نئولیبرالها» از معروفترین آنها می باشند.

نظریه های مذکور مورد توجه و بررسی دانشمندان و سیاستمداران ایرانی نیز قرار گرفتند. فیلسوف معاصر ایرانی مقیم امریکا، سید حسین نصر، نظریه های مذکور و

به خصوص نظریه «برخورد تمدنها» را تنقید نموده، بی اساسی و یکجانبه بودن آنها را تاکید می کند. ولی متأسفانه خود او نیز بعضاً به آن اشتباه راه می دهد. سید حسین نصر تمدن را زاده دین دانسته، نقش بشر را در آفریدن آن انکار می نماید:

و تمدنهای بزرگ دنیا تماماً زاده ادیان و پیامهای الهی هستند. هیچ وقت بشر تمدنی به وجود نیاورده است. اصلاً این حرف که بشر تمدن به وجود آورده این یک حرف لادری ست که از فلسفه غربی قرن نوزدهم برخاسته است...<sup>۱</sup>

البته در تشکل تمدنها نقش دینها خیلی بزرگ است ولی نقش بشر را در بنیاد آن نباید نادیده گرفت.

سید حسین نصر بارها این اندیشه را تأیید نموده از جمله مفهوم تمدن مردمان ایرانی را صحیح نمی داند و آن را تمدن اسلامی می شمارد و تمدن تااسلامی\* آنها را نادیده می گیرد و یا جزء تمدن اسلامی می داند:

تمام تمدنهای جهان (تمدنهای اصیل) زاده دین است. به همین جهت بنده عقیده دارم که اصولاً یک دین نمی تواند بیشتر از یک تمدن درست کند...<sup>۲</sup>

اخیراً رئیس جمهوری اسلامی ایران سید محمد خاتمی، ماه نوامبر سال ۱۹۹۸ در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد گفتگوی تمدنها را مطرح نموده، خواهش کرد که سال ۲۰۰۱ سال گفتگوی تمدنها اعلان شود. این پیشنهاد مورد قبول هم سازمان ملل متحد و هم دانشمندان و سیاستمداران معروف عالم قرار گرفت و سال ۲۰۰۱ سال گفتگوی تمدنها اعلان گردید. او در سخنرانی اش در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل به مسأله صلح بیشتر توجه ظاهر نموده آن را به مفهوم وسیع صلح کلی معنی داد می کند و در برابر صلح میان مردمان صلح انسان با طبیعت را نیز تاکید می سازد:

صلح تمام عیار علاوه بر صلح میان انسانها، شامل صلح میان انسان و طبیعت نیز می شود. انسان باید از غلبه و استیلا بر طبیعت دست بردارد و در آینده بیشتر بر هماهنگی میان انسان و طبیعت تاکید کند. حفظ محیط زیست به مثابه میراث مشترک طبیعی از مهمترین اولویتهای قرن آتی ست.<sup>۳</sup>

باید گفت که نظریه و عملیه گفتگوی تمدنها در تاریخ بشر ریشه های عمیق داشته از زمانهای قدیم عرض وجود می کرده است. در این باب به خصوص در تمدنهای تااسلامی و اسلامی مردمان ایرانی تبار و از جمله تاجیکان دلیلهای فراوانی را پیدا کردن ممکن است که این جا چندی از آنها را مورد بررسی قرار می دهیم.

تاجیکان چون یکی از قدیمترین مردمان آریایی ساکن آسیای مرکزی در رابطه های گوناگون جبهه شرق و غرب و گفتگوی تمدنها سهم بزرگ گذاشته اند. کشور باستانی سُغد و باختر که آنها را بر حق «گهواره نخستین دولت تاجیکان» نامیده اند به تمدن عالم دستاوردهای عظیمی اهدا کرده است که تا امروز برای پیشرفت جامعه انسانی خدمت می نمایند. مهمترین آنها گنج شایگان نیاگان تاجیکان کتاب مقدس اوستا و آیین زردشتی می باشد که به فرهنگ و تمدن و دین و آیین خلقهای دیگر اثر زیاد بخشیده است. اوستا نخستین شاه اثری است که در عهد باستان به مردم عالم صلح و دوستی، کار و کوشش، گفتار نیک، رفتار نیک، پندار نیک را تلقین نموده است. پیامبر آیین زردشتی تا امروز از شخصیتهای برجسته تاریخ بشر محسوب می شود، طوری که دانشمند بلژیکی ژاک دیوشن فرموده است:

از همه فرزندان آسیا اولین کسی را که غرب به فرزندی خوانده است زردشت بود. تعلیمات او یونان را تقریباً چهار قرن قبل از آن که تعلیمات مسیح پذیرفته شود غنی گردانده است. زردشت را افلاطون هم می دانست... زردشت یگانه کسی بود که حکمت آسیای باستانی را معرفی می کرد.<sup>۱</sup> تاثیر پر فیض اوستا و آیین زردشتی را به تمدنهای گوناگون عالم دانشمندان با دلیلهای فراوان نشان داده اند، از جمله تاریخ شناس معروف تاجیک با باجان غفوراف در این باره فرموده است:

آیین زردشتی که در آسیای میانه به ظهور آمده بود در زمان هخامنشیها به ایران و باز دورتر به طرفهای غرب پهن شده بعدها (تا زمان تحت استیلای عربها واقع گردیدن ایران و آسیای میانه) مذهب دولتی ایرانها قرار گرفت. هنوز در عصر پنج پیش از میلاد در شهر ممفیس مصر معبد خدای ایرانی میترا وجود داشت. در دوره امپریای رُم پرستش میترا در بسیار مملکتها رسم گردیده تا جزیره های بریتانیا رسیده بود...<sup>۵</sup>

پرستش چهار عنصر آتش، آب، خاک، و باد نیز از آیین زردشتی به فلسفه یونان باستان گذشته است.

در دوره استیلای اسکندر مقدونی به خصوص پس از درگذشت او و تشکیل دولت یونان و باختر تاثیر متقابله تمدنهای شرق و غرب بیشتر گردیده برای گفتگوی تمدنها زمینه مساعد به وجود آمد. در نتیجه آمیزش فرهنگهای گوناگون شرق و غرب فرهنگ تازه ایلیستی [هلنیستی] پدید آمد. طوری که خاورشناس معروف روسی ن. کنراد تاکید می نماید در زمان استیلای اسکندر مقدونی و حکمرانی کوروش کبیر آسیای میانه، افغانستان، شمال هندوستان، ایران، قفقاز و کشورهای همجوار از لحاظ علمی و فرهنگی

منطقه مرکزی عالم محسوب می شدند!

مردمان ایرانی برای رواج و گسترش اسلام خدمت بزرگی انجام داده اند. سهم سلمان فارسی که از اولین مسلمانان ایرانی بود و از نزدیکان پیغمبر اسلام محسوب می شد در تاریخ معلوم است.

گرایش خیلی زیاد ایرانیان به اسلام و سهم بزرگی که مردمان ایرانی تبار در رواج و گسترش اسلام گذاشته اند، دانشمندان گذشته و معاصر را به حیرت آورده است. از جمله فیلسوف و مورخ قرن ۱۴ م. عرب، ابن خلدون این حادثه را عجیب دانسته است. در آن بابت محقق ایرانی دکتر محمد محمدی ملایری نوشته است:

ابن خلدون از محققان قدیم این را از شگفتیهای تاریخ نوشته که در جهان اسلام، با آن که اسلام دینی بوده است که از میان اعراب برخاسته، پیغمبر اسلام عرب بوده و زبان قرآن هم عربی است، با این حال پرچمداران علم در آن بیشتر ایرانیان اند، نه اعراب، ولی با آن که علت‌های طبیعی و عمرانی و اجتماعی و حضاری این امر را هم شرح داده باز آن را به عبارت «من الغرائب الوقایع» یعنی از رویدادهای شگفت یاد کرده.<sup>۷</sup>

قرنهای ۹ و ۱۰ م. یعنی عهد سامانیان زمان پیشرفتهای کلی ساحه های گوناگون علم و فن، تجارت و کشاورزی، اقتصاد و فرهنگ خراسان و ماوراءالنهر بود. دانشمندان فارس و تاجیک در محیط سازگاری که مهیا شده بود به آموزش عمیق علم و دانش خلقهای گوناگون عالم به خصوص یونان و روم باستان، هند و چین قدیم پرداخته مهمترین آثار آنها را به زبانهای فارسی و عربی ترجمه کردند که این باعث باقی ماندن آن آثار گشته است. آنها با نیروی خرد و ذکاوت خود گنجینه علم و دانش تا آن زمان گرد آمده بشر را غنی گردانده، در هر رشته علم کشفیات و اختراعات زیادی کردند. کشفیات و دستاوردهای علمی آنها در قرنهای بعد مورد آموزش دانشمندان خلقهای دیگر عالم به خصوص اروپا قرار گرفته، یکی از عوامل اساسی پیشرفت علم و فرهنگ در قرون وسطی گشته است. این جا به چندی از این دستاوردها که واقعا جوهر گفتگوی تمدنها در آن قرن‌ها می باشند اشاره می شود.

شیمی دان معروف خراسانی جابر ابن حیان نظریه پیدایش فلزات را آفرید. محمد زکریای رازی آثار بقراط و جالینوس و سایر دانشمندان یونان و روم، هند، مصر، چین، و سوریه را بررسی نموده، طب نظری را با عملی پیوست. او بار اول تفاوت بیماری آبله را از سرخک تعیین کرده روش گلبری را در معالجه نغزک استفاده نموده است. او نخستین دانشمندی است که در تاریخ طب، نوشتن تاریخ بیماری را جاری کرده است، که تا امروز در طب جهانی ادامه دارد. رازی اولین دانشمندی است که با روش شیمی داروهای مصنوعی را

آماده کرده است.<sup>۸</sup>

ابو عبدالله محمد خوارزمی رقمهای به اصطلاح عربی را که ریشه هندی دارند در علم و زندگی جاری نمود که تا امروز در استفاده اهل عالم است.

در تحکیم رابطه های علمی شرق و غرب به خصوص خدمت دو دانشمند بزرگ این دوره ابوعلی سینا و ابوریحان بیرونی خیلی نظررس است. آنها در این راه تمام نیرو و ذکاوت خود را خرج نموده آثار گرانبهائی آفریده اند که پیوندگر تمدنهای می باشد. ابن سینا در پیشرفت علمهای طب، شیمی، ریاضیات، هندسه، فیزیک، معدن شناسی، نباتات شناسی، جانور شناسی، زمین شناسی، فلسفه، منطق و امثال اینها سهم بزرگ گذاشته، گنجینه علم جهانی را با کشفیات و دستاوردهای علمی خود غنی گردانده است. قانون ابن سینا دائرة المعارف طبیبی است که تمام دستاوردهای طب جهانی را تا آن زمان جمع بندی نموده سپس در طول قرنهای کتاب درسی دانشکده های طبی اروپا بوده است. کشفیات او در رشته های گوناگون طب خیلی فراوان بوده است، او اولین رساله علمی را راجع به بیماری قلب نوشته است، صدها داروی نو ساخته است، در آثار فلسفی ابن سینا به خصوص شفای او گفتگوهای فلسفی و حکمت شرق و غرب احساس می شود...

ابوریحان بیرونی نیز در رشته های گوناگون علم کشفیات و اختراعات زیاد کرده شهرت جهانی پیدا نموده است. او اندیشه نظام هلیوستتری عالم را قبل از کوپرنیک بیان کرده بود. بیرونی هر چند در کشور گشایبهای سلطان محمود در هندوستان شرکت ورزیده چندین بار به آن کشور سفر کرده بود ولی او با خود دانش و حکمت برد و در ضمن سفرها به بررسی زبان و فرهنگ هندوان پرداخت و شاه اثر خود کتاب تحقیق ماللهند را آفرید. او همچنین برای پیوستن کامیابهای حساب یونانی و هندی کوششها به خرج داده است. بیرونی در کتاب الصيدنه درباره ۱۱۱۶ دوا اطلاع داده نام ۴۵۰۰ دوا را به زبانهای عربی، فارسی، یونانی، سریانی، هندی، لاتینی، چینی و غیره ثبت نموده است.

عباس اهوازی، ابوالحسن طبری، ابومنصور قمری، ابوسهل مسیحی، ابوبکر بخاری، حکیم میسری و امثال آنها با آموزش منابع طب یونان، عرب، چین، و هند و استفاده از تجربه های طبیبان کشورهای گوناگون خود نیز آثار زیادی آفریده اند که بیشتر آنها به زبانهای اروپایی چاپ گردیده به پیشرفت طب جهانی مساعدت نموده اند.

چنین مثالها را از رشته های دیگر علم و ادب و فرهنگ هم می توان آورد که از روابط متقابل علم و فرهنگ کشورهای شرق و غرب گواهی می دهند. همه این، بیانگر آن است که عهد سامانیان از پربارترین دوره های گفتگوی تمدنهای مختلف جهان بوده، نقش مهمی

در پیشرفت بشر بازیده است.

مرکز ایران شناسی  
دوشنبه، تاجیکستان

منابع:

- ۱- «گفتگو با دکتر سید حسین نصر در باب گفتگوی تمدنها»، کتاب ماه، تهران، ۱۹۹۹/۳/۲۰، ص ۱۰.
- ۲- همان جا.
- ۳- سید محمد خاتمی، «مبانی گفتگوی تمدنها»، کتاب ماه، تهران، ۱۹۹۹/۳/۲۰، ص ۲.
- ۴- یوسف نورعلی اف، طب در زمان ابوعلی ابن سینا، دوشنبه، ۱۹۸۱، ص ۱۳ (به زبان روسی).
- ۵- باباجان غفوراف، تاجیکان، کتاب یکم، دوشنبه، ۱۹۸۳، ص ۱۱۳.
- ۶- ن. ا. کنراد، غرب و شرق، مسکو، ۱۹۷۲، ص ۲۷۳-۲۷۴، (به زبان روسی).
- ۷- دکتر محمد محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران، جلد اول، تهران، ۱۳۷۳، ص ۴۵۳.
- ۸- یوسف نورعلی اف، «طب و طبابت در زمان سامانیان»، در کتاب سامانیان و احیای تمدن فارسی تاجیکی، دوشنبه، ۱۹۹۸، ص ۳۳۲.

